



پیش بسوی اعتصابات سراسری! پیش بسوی ایجاد شوراها

"ما میدان تحریر را به کسی که معنی آزادی را درک نمی‌کند واگذار نمی‌کنیم"

صفحه ۳

حمید تقوایی

به رهبران اعتصاب نفت

هم کارگران اعتصابی و هم مردم منتظرند با آنها حرف بزنید

صفحه ۴

اصغر کریمی

تراز باور نکردنی اختلاس و وقاحت

صفحه ۵

کاظم نیکخواه

اعتصابات کارگری و چشم انداز خیزش توده ای

صفحه ۶

حمید تقوایی

من فصلیه نمیشوم

صفحه ۷

#من خون بس نمیشوم

اطلاعیه ها

۱- نامه سرگشاده به اتحادیه های کارگری و

سازمانهای جهانی و نهادهای مدافع حقوق انسانی

صفحه ۲

جان جعفر عظیم زاده در خطر جدی قرار دارد!

صفحه ۹

۲- مصاف دو نیروی ضد مردمی در مالمو!

۳- بیست و پنجمین روز اعتصاب نفت و هفتاد و دومین روز

اعتصاب نیشکر هفت تپه و اعتصاب کارگران ذوب آهن اردبیل

صفحه ۱۳

۴- تجمع بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۷۰

صفحه ۱۴

۵- اعتصاب کارگران نفت وارد بیست و هشتمین روز شد

صفحه ۸

۶- واحدهای حزبی را هر کجا هستید ایجاد کنید!

صفحه ۵



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۸۳

جمعه ۷ شهریور ۱۳۹۹، ۲۸ اگوست ۲۰۲۰

بازخوانی جعبه سیاه،

باز نگری یک توحش بی سابقه

کاظم نیکخواه

قطعا یک جنایت عمدی بود. شش ماه زیر فشار بین المللی و فشار خانواده های جانباختگان، بالاخره مدتی پیش جعبه سیاه هواپیمای اوکراینی مربوط به پرواز ۷۵۲ را به فرانسه تحویل داد. اخیرا اعلام شد که جعبه سیاه بازخوانی شده و نشان میدهد که مسافران و خدمه هواپیما بعد از شلیک اولین موشک تا حدود بیست ثانیه زنده بوده اند و بعد ارتباط قطع میشود. شلیک دوم بعد از ۲۵ ثانیه صورت گرفت. لازم نیست انسان وارد جزئیات جعبه سیاه شود. مهمترین خاصیت این بازخوانی اینست که یک بار دیگر این فاجعه دردناک را مثل روز اول جلوی چشم مردم دنیا آورده است. این را میدانستیم که خلبان بعد از شلیک اول توسط پاسداران، میخواست به فرودگاه بازگردد. اما با شلیک دوم هواپیما سرنگون میشود. شواهد بسیاری هست که نشان میدهد این فاجعه نه یک تصادف و یک اشتباه، بلکه

شش ماه زیر فشار بین المللی و فشار خانواده های جانباختگان، بالاخره مدتی پیش جعبه سیاه هواپیمای اوکراینی مربوط به پرواز ۷۵۲ را به فرانسه تحویل داد. اخیرا اعلام شد که جعبه سیاه بازخوانی شده و نشان میدهد که مسافران و خدمه هواپیما بعد از شلیک اولین موشک تا حدود بیست ثانیه زنده بوده اند و بعد ارتباط قطع میشود. شلیک دوم بعد از ۲۵ ثانیه صورت گرفت. لازم نیست انسان وارد جزئیات جعبه سیاه شود. مهمترین خاصیت این بازخوانی اینست که یک بار دیگر این فاجعه دردناک را مثل روز اول جلوی چشم مردم دنیا آورده است. این را میدانستیم که خلبان بعد از شلیک اول توسط پاسداران، میخواست به فرودگاه بازگردد. اما با شلیک دوم هواپیما سرنگون میشود. شواهد بسیاری هست که نشان میدهد این فاجعه نه یک تصادف و یک اشتباه، بلکه

ادامه در صفحه ۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازخوانی جعبه سیاه، باز نگری یک توحش بی سابقه

کاظم نیکخواه



بخشیده نخواهد شد. و تاوانش را نه فقط سران حکومت بلکه کل سیستمی که این آدمکشان را به سر کار کشید باید بپردازد. حکومت اسلامی! حکومت

چپاولگر سرمایه داران! حکومت دزدان و استثمارگران! حکومت دشمن هفت تیه و نفت و هیکو و بقیه کارگران و مردم! حکومت اسلامی سرمایه داران! این تحفه سرمایه داری این قرن علیه مردمی بود که دیکتاتوری آریامهری را به زیر کشیدند تا طعم آزادی را بچشند. اما با توطئه و دسیسه و جنایت این دار و دسته مدافع جهل و جنایت و غارت را به سر کار کشیدند تا مردم را از انقلاب کردن پشیمان کنند. اما فضای پر التهاب و

متعرض جامعه امروز ایران دارد بروشنی به آنها میگوید کور خوانده اید. کارگران و معلمان و زنان و دانشجویان و بازنشستگان و همه مردم این جامعه در کنار خانواده و بازماندگان پرواز ۷۵۲ و در کنار بازماندگان همه جنایات عظیم حکومت، انقلابی دیگر انقلابی عمیق تر انقلابی انسانی را برای خلاصی از کل این دوره فاجعه و جنگ و جنایت و چپاول به جریان می اندازند و جامعه ای را پایه ریزی خواهند کرد که دیگر هیچکس، هیچ مادر و پدر و

فرزندی شاهد نابودی عزیزانش بدست جنایتکاران نباشد. هیچکس شاهد جنایت و کشتار و زندان و ترور و موشک پرانی نباشد. آن روز دور نیست. رنج و غم عمیق بازماندگان پرواز ۷۵۲ و چهره های زیبا و معصوم عزیزی که در این پرواز، مظلومانه به مرگی فجیع و دردناک به قتل رسیدند، همه ما را در این جهت مصمم تر میکند. زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!*

نامه سرگشاده به اتحادیه های کارگری و سازمانهای جهانی و نهادهای مدافع حقوق انسانی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۵ شهریور ۱۳۹۹
۲۶ اوت ۲۰۲۰

نامه سرگشاده به نهادهای کارگری و سازمانهای حقوق بشری در سراسر دنیا

جان جعفر عظیم زاده در خطر جدی قرار دارد

جعفر عظیم زاده رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتصاب غذا به سر میبرد. او که بخاطر فعالیتهای صنفی کارگری و تلاش برای تشکیلیاتی و افزایش دستمزد کارگران به پنجسال زندان محکوم شده بود، در زندان اوین علیرغم بیماریهای حاد قلبی و ریوی به کرونا نیز مبتلا شد. اما مسئولین بجای اینکه او را به بیمارستان برای درمان انتقال دهند در اقدامی سازمانیافته به قصد کشتن وی، او را به زندان رجایی شهر منتقل کرده و در سلول انفرادی محبوس کرده اند.

جعفر عظیم زاده نیز در اعتراض به این اقدام، از روز

آمدن جعفر عظیم زاده ممانعت بعمل آورد، بلکه با تشکیل پرونده جدیدی حکم ۱۳ ماه دیگر زندان برای او صادر کرد. همچنین همسر وی اکرم رحیم پور با تشکیل پرونده و تهدیدات سیستماتیک زیر فشار مضاعف قرار دارد. جعفر عظیم زاده از بیماریهای قلبی، ریوی، چشم و روده رنج میبرد. جان او با وجود کرونا و اعتصاب غذا در خطر جدی است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران بیانییه ای منتشر کرده و از جامعه جهانی درخواست حمایت کرده است

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ضمن حمایت از این بیانییه از همه شما میخواهد با نوشتن نامه های اعتراضی به این آدم ربائی حکومتی و عامدانه رژیم اسلامی اعتراض کرده و خواستار انتقال جعفر عظیم زاده به بیمارستان و آزادی وی شوید.

جان جعفر عظیم زاده در خطر جدی قرار دارد! جمهوری اسلامی باید بدون درنگ جعفر عظیم زاده را آزاد کند!

جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، چهره شناخته شده، مبارز و محبوب جامعه به "جرم" سازماندهی طومار چهل و یک هزار امضا در اعتراض به حداقل دستمزد به پنج سال زندان با احکام امنیتی در زندان بسر میبرد. او در زندان به کرونا مبتلا شده است.

جمهوری اسلامی بدون اطلاع قبلی و یا توضیح قضائی وی را به زندان گوهردشت کرج تبعید کرد. او در اعتراض به آدم ربائی رسمی جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زده است. این در حالی است که جعفر عظیم زاده از چندی پیش میبایست طبق قانون از حق مرخصی برخوردار میشد. حکومت اسلامی جنایتکار نه تنها عامدانه از به مرخصی

جان جعفر عظیم زاده در خطر است



جعفر عظیم زاده و همه زندانیان سیاسی فوراً و بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

FREE JAFAR AZIMZADEH AND ALL POLITICAL PRISONERS IN IRAN NOW!



آنیم تا نسبت به شرایط خطرناک جعفر توجه ویژه و عاجل داشته باشند و به هر طریق ممکن از مسئولین در ایران بخواهند تا جعفر عظیم زاده را آزاد کنند. قطعاً هر اقدامی که از سوی نهادها و سازمانهای کارگری و حقوق بشری صورت گیرد میتواند برای فشار به مسئولین در ایران برای آزادی این کارگر زندانی کارساز باشد.*

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲۶ مرداد دست به اعتصاب غذا زده است. اما با وجود وخامت حال او و بیماریهای حاد و ابتلا به کرونا مسئولین حاضر به آزادی او و انتقالش به بیمارستان برای مداوا نیستند.

جان جعفر عظیم زاده در خطر است و هر آن ممکن است جاننش را از دست دهد. به همین خاطر ما از تمامی نهادهای بین المللی کارگری و سازمانهای حقوق بشری و تمام انسانهای آزادیخواه استمداد میطلبیم و خواستار

آزادی برابری حکومت کارگری



محوری آنها است. خواست مردم جمع کردن کل سیستم و نظام حکومتی قومی- مذهبی- عشیرتی است که بعد از حمله آمریکا و سقوط صدام در عراق مستقر شد. سیستمی که بر مدل نظام و جامعه موزائیکی مبتنی است و رسماً و قانوناً قدرت سیاسی و پستیهای حکومتی را بین شیعه ها و سنی ها و کردها تقسیم کرده است.

انقلاب عراق با شعار "لا شیعیة، لا سنیة، لا دولة علمانیة"، "نه سنی، نه شیعه، حکومتی سکولار میخواهیم" سر بلند کرد. از این نظر انقلاب جاری و کلا تحولات عراق در یکساله اخیر کاملاً ویژه است. ما شاهد جنبش توده ای گسترده ای در آزمایشگاه نظم نوین جهانی به معماری فاتحین جنگ سرد هستیم. در ۱۷ سال گذشته مردم عراق نه با یک دولت متعارف بلکه با سلطه نیروهای نظامی آمریکا و مونتلفینش، سلطه دارو دسته های مختلف اسلامی سنی و شیعه، هجوم داعش، گسترش نفوذ جمهوری اسلامی و دارو دسته های مسلح وابسته به آن مواجه بوده اند.

کمپ ضد انقلاب فقط شامل دولت و نیروهای دولتی نیست. نیروهای مقتدا صدر، حزب الدعوة، کتائب حزب الله، سپاه بدر، عصاب اهل الحق، حشد الشعبی و دیگر دارودسته های وابسته به جمهوری اسلامی در سرکوب مردم عراق مستقیماً دست دارند. و یک بخش از تعرض مردم، آتش زدن مقر ها و دفاتر احزاب حکومتی و اسلامی و درگیری با میلیشا و دارو دسته های مسلح اسلامی، مستقیماً این نیروها را هدف قرار میدهد. این نیروها در بلوک بندیهای

"ما میدان تحریر را به کسی که معنی آزادی را درک نمی کند واگذار نمی کنیم"

یکی از شعارهای تظاهرات میلیونی زنان عراق در فوریه ۲۰۲۰

حمید تقوایی



نزدیک به یکسال است (از اول اکتبر ۲۰۱۹) یک خیزش توده ای گسترده در عراق ادامه دارد. خیزشی که مردم و رسانه ها و حتی مقامات عراقی آنرا ثورة تشرین (انقلاب اکتبر) مینامند. این جنبش از اواخر ماه آوریل بخاطر شیوع ویروس کرونا تخفیف پیدا کرد اما هفته گذشته با حمله مردم به دفتر محلی مجلس عراق و مقرات نیروهای مسلح اسلامی در شهرهای بصره و ناصریه و قادسیه اوج تازه ای گرفت. اشغال میادین التحریر در بغداد و دیگر شهرها، شرکت گسترده زنان در اعتراضات که یک نمونه بارز آن تظاهرات میلیونی زنان در بغداد و ۶ استان عراق در ماه فوریه بود، حمله به مقر احزاب و مراکز دولتی و نیروهای اسلامی، و مجبور کردن ۴ نخست وزیر و کاندید نخست وزیر به استعفا و انصراف در یکسال اخیر از ویژگیهای انقلاب جاری است. یک شعار خصلت نمای این تحولات که در تظاهرات میلیونی زنان سر داده شد اعلام میکند: "ما میدان تحریر را به کسی که معنی آزادی را درک نمی کند واگذار نمی کنیم". میدان تحریر، در برابر منطقه سبز که محل استقرار وزارتخانه ها و

منطقه ای به جبهه روسیه- چین- جمهوری اسلامی متعلقند ولی این بلوک تنها بازیگر صحنه سیاسی در عراق و کل منطقه نیست. یک نیروی دیگر متعلق به جبهه ضد انقلاب، بلوک دولت آمریکا و متلفین اش در غرب و در خاورمیانه است. این بلوک، که خود با هجوم نظامی در جنگ خلیج (۱۹۹۱) و سپس هجوم نظامی ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام، نقش مستقیمی در ایجاد شرایط امروز داشته است، تلاش میکند از تحولات جاری برای تضعیف و از میدان بدر بردن نیروهای رقیب سود بجوید. (داعش و ترکیه و نیروهای اسلامی و کرد وابسته به آنها را میتوان بلوک سوم و به نوعی بینابینی در منطقه تلقی کرد. اما نقش آنها در مقایسه با دو بلوک اصلی فرعی تر و حاشیه ای تر است). بعنوان نمونه دولت مصطفی الکاظمی، که در ماه مه و بعد از معرفی دو کاندیدای نخست وزیری از جانب رئیس جمهور و رد شدن آنها از جانب التحریر روی کار آمد، بیش از دولتهای قبلی به قطب آمریکا نزدیک است و با وعده جمع کردن بساط دارو دسته های نظامی غیر دولتی و تعقیب و محاکمه عوامل شلیک به مردم و ترور فعالین تلاش دارد از جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به جنبش انقلاب مردم قرار

ادامه در صفحه ۸



برخی تفاوت ها از جمله حضور ۵۰۰۰ کارگر در یک مرکز کارگری، سنت های پیشروی تثبیت و به حکومت تحمیل شده است. کارگران هفت تپه راهپیمایی میکنند، جمع میشوند، فعالین کارگری سخنرانی میکنند، خانواده هایشان در برخی تجمعات شرکت میکنند، مردم شهر با آنها همبستگی میکنند، هر روز خبررسانی میکنند و البته بعضا بهای اعتراضاتشان را هم باید بپردازند. اما در نفت بدلیل حساسیت تاریخی حکومت و فضای شدیدتر امنیتی و سابقه محدودتر اعتراضات در سال های اخیر، مثلا در مقایسه با هفت تپه، توازن قوا به فعالین اعتصاب اجازه عرض اندام نداده است و این سطح از اعتصابات که الان به یک اعتصاب نسبتا طولانی هم دارد تبدیل میشود. قدم های اول را سیاه و سفید دید. راههای دیگری برای پر کردن این کمبود وجود دارد و اگر این کمبود رفع شود اعتصاب نفت بسیار قدرتمندتر میشود، رسانه ای تر میشود، توجه بیشتری جلب میکند و سنتهای پیشرو در آن رشد میکند. امکان میدهد که هزاران کارگر اعتصابی این بیانیه ها و نامه ها یا فراخوان ها را ببینند و خود را در آن شریک بدانند و بر آنها پافشاری کنند. امکان میدهد فعالین هر واحد با اتکا به چنین بیانیه هایی در مقابل کارفرما بایستند و شرایطشان را بگویند. امکان میدهد که رهبران جدیدی در تک تک مراکز اعتصاب به میدان بیایند، رهبری پخته تری در مراکز مختلف شکل بگیرد و اعتصاب هویت دیگری پیدا کند. اگر شما فعالین اعتصاب در صورت مساله و این کمبود

به رهبران اعتصاب نفت هم کارگران اعتصابی و هم مردم منتظرند با آنها حرف بزنید اصغر کریمی



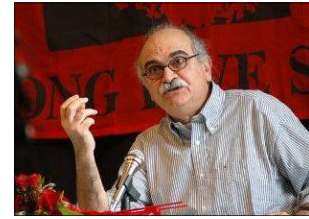
هایی میان خود ایجاد میکنند. نفس اینکه اعتصابی اینچنین سراسری شکل میگیرد و ادامه پیدا میکند نشانه وجود سطحی از رهبری است که در سطح هر منطقه و در سطح کشور با هم روابطی دارند، بحث میکنند و تصمیماتی میگیرند. فعالینی دارد که با هشتگ دفاع از حقوق و سپس کارزار لغو کار پیمانی اعتصاب را شروع کرده است. در همه واحدها فعالینی حضور دارند و تلاش میکنند بر توطئه ها و تردیدها غلبه کنند، بعضا تلاش کرده اند خواست هایشان را مدون کنند و به گوش مقامات حکومتی برسانند. اما اعتصاب سراسری در سطح یک کشور و در دهها واحد در استان های مختلف رهبری متمرکزتر و صداداری میطلبند که بتواند مجموعه فعالیت هایی را مدام در دستور بگذارد. شرایط کنونی محدودیت های زیادی را به کارگران و قبل از هر کس به رهبران آنها تحمیل کرده است. در حال حاضر امکان اینکه جمع مشخصی با اسم و رسم بعنوان سخنگوی کارگران ظاهر شوند و یا کسانی بعنوان سخنگوی اعتصاب یا مراکز معینی ظاهر شوند نیست ولی شرایط طوری است که ممکن است در آینده خیلی نزدیکی این امکان نیز بوجود آید. در هفت تپه بدلیل سالها مبارزه و

هدف من از این بحث پرداختن به جایگاه و اهمیت سیاسی اعتصاب کارگران نفت و گاز و پتروشیمی و تأثیرات آن بر جامعه نیست. تأکیدی بر ضرورت یک نوع رهبری اعتصاب در مقیاس سراسری است. در مورد اهمیت این اعتصاب مهم و شورانگیز میتوان خیلی چیزها نوشت، اهمیت تاریخی آن، شور و امید تازه ای که نه تنها در جنبش کارگری بلکه در کل جامعه و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران ایجاد کرده است، اینکه این اتفاقی صرفا در چهارچوب جنبش کارگری نیست، یک اتفاق سیاسی مهم در فضای امروز جامعه ایران است و اما این اعتصاب قدرتمند به تمرکزی در رهبری و ارگانی مانند شورای هماهنگی اعتصابات نیاز دارد یعنی مکانیزمی که هزاران کارگر اعتصابی در دهها واحد پراکنده را رهبری کند و آنها را متحد نگهدارد و در سطح علنی با بیانیه ها یا روند پیشرفت اعتصاب، تلاش های تفرقه افکنانه حکومت و کارفرماها یا پاسخ به مقامات و غیره کارگران اعتصابی را نمایندگی کند. این کمبودی است که از هر نظر برای پیشروی این اعتصاب حیاتی است. روشن است که کارگران نفت جمع ها و شبکه های فعالین را دارند و هماهنگی

توافق داشته باشید آنگاه خودتان بهتر از هر کس دیگری راه های عملی کردنش را با توجه به شرایط امروز پیدا میکنید. الان مردم میگویند کارگر نفت به میدان آمده است چرا صدای قدرتمندی ندارد، خواست های سراسری کارگران اعتصابی و اولویت های آن کدام است، انتظار دارند بیانیه های روشنی از شما ببینند که خواست های همه کارگران اعتصابی را منعکس کند، مثلا درخواست کارگران اعتصابی برای کف دستمزد چقدر است، هزاران کارگر اعتصابی باید ببینند چگونه دارند نمایندگی میشوند، چقدر خواست هایشان توسط فعالین بیان میشود، تا آنها هم فعال تر بتوانند در گفتمان ها شریک شوند، اظهار نظر کنند، در واحدی که کار میکنند در مقابل کارفرماها روشن تر و قوی تر ظاهر شوند و از بیانیه های عمومی اعتماد بنفس بیشتری بگیرند. هزاران کارگر اعتصابی باید ببینند رهبران آنها چگونه در مقابل دولت که تصمیم گیرنده اصلی است ظاهر میشوند، چطور موانع را خنثی میکنند، چه راهی مقابل توده های کارگر میگذارند، در مورد ادامه اعتصاب چه نظری دارند، کجا احتمالا میتوان به توافقاتی رسید و کجا نباید توافق کرد. علیرغم همه محدودیت ها رهبران و فعالین اعتصاب میتوانند لاقلا در شرایط

فعلی با امضای جمعی از کارگران نفت یا مثلا جمعی از کارگران اعتصابی نفت از آبادان و عسلویه و پارس جنوبی و یا شورای هماهنگی اعتصابات بیانیه هایی صادر کنند و بطور مرتب هم توده کارگر اعتصابی و هم جامعه را از آخرین خبرهای اعتصاب مطلع نگهدارند. خواست های اعتصاب را در یک بیانیه روشن و صریح اعلام کنند، اطلاعیه هایی منتشر کنند و پیشنهاداتی که از جانب کارفرمایان در برخی مراکز مطرح شده را به اطلاع عموم از جمله هزاران کارگر اعتصابی برسانند و شرایط خودشان را اعلام کنند. خیلی کارهای دیگر نیز در این راستا میتوان انجام داد. واقعیت این است که در میان کارگران نفت هم مثل هر جای دیگری گرایشات متفاوتی وجود دارد. در غیاب یک رهبری رادیکال و سراسری و پر صدا که خواست های اساسی کل کارگران از دستمزد تا برچیدن بساط پیمانکاران و شرایط کار و آزادی کارگران در ایجاد تشکل و غیره، یک طیف سازشکار و یا حتی عواملی نزدیک به حکومت سعی میکنند در پوشش دفاع از کارگر، گوشه ای از خواست های کارگران را هم مطرح کنند و با گرفتن امتیاز کوچکی کارگران را تشویق به پایان اعتصاب زیر آب کنند. و یا گرایش دست به تاکتیک های نامناسب ادامه در صفحه ۹

اعتصابات کارگری و چشم انداز خیزش توده ای حمید تقوایی



این بحث درباره اعتصابات کارگری است و نقشی که این اعتصابات میتوانند در خیزش عمومی و جنبش عظیم سرنگونی طلبانه در جامعه داشته باشند. من از این زاویه میخواهم اعتصابات جاری را بررسی کنم.

نکته اول اینست که این اعتصابات در سطحی که شاهدش هستیم در جمهوری اسلامی بیسابقه بوده است. اگر سالهای اول بعد از انقلاب ۵۷، که در واقع مبارزات کارگری در آن دوره ادامه انقلاب بود، را کنار بگذارید، در هیچ دوره ای اعتصابات کارگری چنین گسترده و تعرضی نبوده است. و این تحولی بسیار امیدبخش و نوید بخش است. این اتفاق شورانگیزی است که جنبش کارگری در این ابعاد بمیدان می آید. در حال حاضر بیش از ۵۰ مرکز کارگری عمده و تعیین کننده در اعتصاب به سرمیرند. در میان این مراکز بیش از ۴۰ واحد تولیدی متعلق به صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و رشته های وابسته به آنست. و این اعتصابات در حال گسترش است. پیش کسوت این دور اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه هستند که بیش از دو ماه است در اعتصاب به سر میبرند. همزمان اعتصاب کارگران هپکو، که سابقه و

حکومت به دزدی و چپاول و تسمه کشیدن از گرده کارگران مشغولند. این در دوره چهل ساله حکومت جمهوری اسلامی وضعیتی کاملا ویژه است و من میخواهم این ویژگی را اینجا توضیح بدهم.

ویژگی مضمون اعتصابات از نظر مضمون اساس این اعتصابات علیه بی تامینی اقتصادی و فقر و شرایط غیر قابل تحمل معیشتی است که به طبقه کارگر تحمیل شده است. وقتی حتی صنعت نفت - که بخاطر نقش حساس و تعیین کننده اش در اقتصاد ایران همیشه حکومت سعی میکرد شرایط معیشتی نسبتا بهتری برای کارگران فراهم کند و سطح دستمزدهایش بخصوص برای کارگران متخصص و تمام وقت نسبتا بالاتر از بخشهای دیگر طبقه کارگر است - به اعتصاب دست میزند این نشانه وضعیت فلاکتبار اقتصادی است که بر جامعه و مشخصا بر طبقه کارگر حاکم کرده اند. خواست کارگران فقط افزایش دستمزدها نیست. شرایط فلاکتبار اقتصادی جنبه ها و دلایل مختلفی دارد و کارگران اعتصابی هم دقیقا روی همین جنبه ها انگشت گذاشته اند. پرداخت دستمزدهای عقب افتاده تا افزایش دستمزدهای ۵ مرتبه زیر خط فقر، که تازه اگر پرداخت هم بشود برای گذران زندگی یک خانواده کارگری حتی برای ده روز هم کفایت نمیکند، یک خواست پایه ای کارگران است. اما مساله مهم دیگر کارگران که بر معیشت و تامین شغلی آنان مستقیما تاثیر میگذارد نحوه اداره مراکز تولیدی و کل اقتصاد است. مشخصا در هفت تپه یک مساله اساسی

کارگران دزدی و فساد و ناکارآمدی اسدیگی، کارفرمای کارخانه است. کارگران با او بخاطر ناکارآمدی و دزدیها و فسادش در افتاده اند و فراتر از آن با خصوصی سازی نیشکر هفت تپه مخالفند بخاطر اینکه کل موجودیت و ادامه کار این مجتمع تولیدی را در خطر می بینند. کارگران در برابر احتمال کوچک کردن این مرکز تولیدی و اخراج بخش وسیعی از کارگران و نهائینا اعلام ورشکستگی این واحد تولیدی ایستاده اند و با مخالفت با خصوصی سازی در واقع اعتراض خود را به چنگ انداختن دارو دسته های مافیای حکومتی بر نیشکر هفت تپه و پیاده کردن چنین سیاستهای ضدکارگری ای اعلام میکنند. اعتراض کارگران به خصوصی سازی به این معنی نیست که فکر میکنند با دولتی شدن مشکلاتشان حل میشود. واقعیت اینست که در قالب خصوصی سازی یک دارو دسته فاسد دزد چپاولگر وابسته به حکومت و بسیج و سپاه و آیت الله های میلیاردی بر مراکز تولیدی حاکم میشود و مشخصا کارگران هفت تپه این را تجربه کرده اند و این وضعیت را دیگر تحمل نمیکند. بقول خود حکومتی های نام بهتر بخش خصوصی بخش خصوصی یا خصوصی - دولتی است یعنی خصوصی سازی در خدمت آفازاده ها و رانتخوارهای حکومتی. کارگران هفت تپه بدرست این را تشخیص داده اند و علیه آن بمیدان آمده اند. کارگران خواهان آن هستند که دولت مدیری برای نیشکر هفت تپه تعیین کند و تازه دست مدیر هم باز نباشد بلکه تحت

نظارت و با مشورت با کارگران کشت و صنعت هفت تپه اداره بشود. کارگران بارها اعلام کرده اند که ما در هفت تپه از هر مدیری بهتر میتوانیم این واحد تولیدی را اداره کنیم. ما بهتر از هر کسی تجربه داریم و چم و خم کار را میشناسیم و میتوانیم تولید را سازمان بدهیم، شما فقط این فساد و دزدی را از کارخانه جمع کنید ما هفت تپه را حفظ میکنیم و نه تنها ورشکست نمیشود بلکه میتواند خیلی هم رونق داشته باشد. این در واقع بیان دیگری از اداره شورائی است که دوسال قبل اسماعیل بخشی رهبر کارگران هفت تپه در آن زمان اعلام کرد. امروز کارگران میگویند ما نه اسدیگی را میخواهیم و نه هیچ کارفرمای خصوصی دیگری را. دولت مدیری بفرستد که تحت نظارت ما و مشاوره ما کارخانه را اداره کند. این یک خواست اساسی کارگران است که اگر متحقق بشود کارگران خواهند توانست مساله اخراجها و دستمزدها و دیگر مسائل را نیز از موضع بهتر و قدرتمندتری حل و فصل کنند. یک خواست دیگر کارگران بازگشت به کار اخراجی ها است. کارگران خواهان آن هستند که اسماعیل بخشی و کارگران دیگری که در دوره اول اعتصاب هفت تپه دستگیر شدند و از کار اخراج شدند به کار برگردند.

کارگران هفت تپه در دور اول اعتصابشان در دوسال قبل هم خواست اداره شورائی را مطرح کردند و مضمون خواستهای امروزشان هم همین است. حرفشان اینست که هفت تپه را ما میتوانیم اداره کنیم، شما نمیتوانید.

ادامه در صفحه ۱۰

برای برپائی و ساختن جامعه ای شاد و مرفه به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید.

آوا عدالت

من فصلیه نمیشوم #من خون بس نمیشوم

فصلیه و خون بس یک سنت بشدت وحشیانه و ضد انسانی باقی مانده از دوران توحش است که هنوز در مناطقی از جهان از جمله در چندین استان در ایران جان سختی میکنند. به جریان انداختن پرونده «خون بس» و «فصلیه» واپسگرایانه عده ای مذهبی متوحش برای احیای سنت قبیح و ضد زن است که با طرح پیشنهادی ثبت ملی آن در میراث فرهنگی، به آن وجهه قانونی داده و پر رنگتر و زنده کنند. در واقع بنوعی رسمیت بخشیدن به تحقیر و شکنجه زنان و تنزل دادن آنها به پایین ترین درجه اجتماعی است.

پرونده «فصلیه» و «خون بس» ۸ سال است که در چند استان در ایران در جریان است و میراث فرهنگی ثبت آنرا رد کرده است. اما با فراخوان رئیس دادگستری شوش در فضای مجازی دوباره به جریان افتاده است. صادق جعفری چگینی از فصلیه و خون بس بعنوان دو میراث فرهنگی معنوی فاخر

یاد کرده و در فراخوانش از عموم و فرهیختگان برای جمع آوری مستندات کافی و مثبت دعوت کرده است. و در اسفند ۱۳۹۸ سعی در برگزاری همایش بین چند استان همجوار در این خصوص داشته که خوشبختانه به دلیل شیوع کرونا برگزار نشد.

پیش از این تا سال ۱۳۹۱ چهار استان لرستان، چهارمحال بختیاری، فارس، کهگیلویه و بویر احمد نیز درخواست ثبت ملی خون بس را داده بودند که به سرانجام نرسید. اینک مسئولین استان خوزستان هم به جمع متقاضیان ثبت این قانون وحشیانه و واپسگرا پیوسته اند.

پس از تذکر سازمان یونسکو به سازمان میراث فرهنگی، در خصوص ضدیت با حقوق بشر و نادیده گرفتن حقوق زنان در جریان فصلیه و خون بس، این جریان موقتا متوقف شد.

فصلیه به چه معناست؟

ازدواج اجباری زنان و

دختران عشایر برای پایان دادن به دعوی خونین بین دو قوم یا عشیره، در میان عرب ها «فصلیه» (و در اقوام دیگر «خون بس» نامیده میشود. نوعی دیه عشایری برای حل و فصل دعوی فردی و جنگ های طایفه ای است. بجای پول و جنس بعنوان دیه، دختری از یک طایفه را به مردی از طایفه متخاصم میدهند و دعوی فیصله می یابد. مردان طایفه و قبیله و یا ایل دست به هر قتل، دزدی، هتک حرمت، ضرب و جرح و هر انحراف و کج روی دیگر میزنند و دختران بی پناه بهای خطای مردان طایفه را با تن و جان و مابقی عمر و زندگیشان باید بدهند. در این ازدواجهای اجباری دختری که باید به عقد مردی از طایفه مقتول در بیاید بشدت تحت فشار و شکنجه روحی قرار دارد و در زندگی جدیدش میان آن افراد در پایین ترین شأن و مرتبه اجتماعی قرار میگیرد. تا آخر عمر به مثابه یک دشمن یا غنیمت جنگی در میان خانواده و بستگان شوهر به او نگاه میشود و حق هیچگونه اعتراض، انتخاب و تصمیم گیری را ندارد. این روش ضد انسانی این پیام را به مردان میدهد: "تو بکش، ما کنارت

هستیم". اطمینان و پشتوانه محکم دادن به مردان یک قبیله برای آزادی عمل در قتل دیگران: "ما تو را حمایت میکنیم، تو بکش بجای آن دختر میدهیم". درک ضد انسانی بودن این سنت و سختی این موضوع که بهای جرم و جنایت یا هوسرانی دیگری را دختر یا خواهر آن مرد بدهد را بیش از هرکس یک زن لمس میکند. دختری که بدون رضایت خودش به عنوان همسر به اولیای مقتول داده میشود تا آخر عمرش بار تحقیر، سرکوفت و ننگ را به دوش میکشد و یک لحظه نمیتواند طعم آرامش را در این به اصطلاح زندگی خانوادگی اش بچشد.

رسم خون بس در جوامع عقب مانده ای که بصورت قبیله ای زندگی میکنند وجود دارد و تنها مختص عشایر عرب نیست. اقوام بختیاری، لر، عشایر ترک در کشور ترکیه و بعضی خانواده های روستایی اروپایی که بصورت جمعی زندگی میکنند، هنوز این رسم را اجرا میکنند و این میراث زندگی فتودالی است. اکنون یک جنبش در میان زنان علیه این سنت کثیف و ضد انسانی شروع شده است. زنان خوزستان با

رسانه ای کردن موضوع و هشتگ #من فصلیه نمیشوم، #من خون بس نمیشوم، اعتراضشان را اعلام کرده اند. همچنین جمعی از فعالین زن خوزستانی با نوشتن نامه ای اعتراضی و سرگشاده به ابراهیم رئیسی، ضمن شکایت از دادگستری شوش، خواستار برخورد قوه قضائیه با دادگستری شوش و توقف ثبت پرونده فصلیه و خون بس شدند.

در نظام توحش و عقب مانده اسلامی ایران جایگاه زن به عنوان موجودی ضعیف و حقیر که فقط برای برآوردن نیاز مرد و تولید فرزند و امور خانه داری تعریف شده و تمام سعی و اهتمام مسئولین نظام در فشار و سرکوب و عقب راندن زن و تنزل او به پایین ترین درجات اجتماعی است نگاه میشود. اما زنان دیگر به این مهملات تن نمیدهند که نقششان در زندگی اجتماعی فقط بعنوان خانه دار و فرزندآوری و دارایی مردان باشد. زنان امروز ایران، جایگاه واقعی خود را دریافته اند و محکم جلوی عقب ماندگی و رسوم منسوخ و ضد انسانی می ایستند. از کرامت و حرمت و منزلت انسانی خود دفاع میکنند.*

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

دسته جمعی در هر محله تصمیم بگیریم و متحدانه از پرداخت قبض ها خودداری کنیم!

#منمهم_تمیپردازم

میلیون ها نفر قبض ها را نمیپردازند.
شما هم نپردازید!

از صفحه ۳

"ما میدان تحریر را به کسی که معنی آزادی را درک نمی‌کند..."

دارد. اما بلوک مقابل، دولت آمریکا و متحدینش، تلاش دارد از این شرایط به نفع گسترش نفوذ خود و احیای موقعیتی که در عراق، و در کل منطقه، به نفع بلوک رقیب از دست داده است سوء استفاده کند. اولین اقدام دولت کاظمی، که او را بعد از کش و قوسهای زیاد و بالاخره با استفاده از افت دامنه اعتراضات خیابانی بخاطر شیوع ویروس کرونا توانستند به نخست وزیر بگمارند، سفر به آمریکا و دیدار با ترامپ و سپس وعده اصلاحات به پشتیبانی آمریکا بود. با اینهمه اولین موج جدید اعتراضات خیابانی با شعار علیه کاظمی و دولت او آغاز شد. مردم تا کنون علیه کلیه احزاب و مقامات حکومتی ایستاده اند اما خلاصی از شر همه نیروها و جناحهای رنگارنگ حاکم و

تغییر بنیادی وضع موجود خودبخود حاصل نمیشود. بلکه تماما به هوشیاری و سیاست و عملکرد نیروهای کمونیست و انقلابی بستگی دارد. نیروهایی که بتوانند خواست نه سنی نه شیعی را تا نفی هر نوع دولت قومی-مذهبی و نفی سیستم دمرکراسی موزائیکی، که دولت آمریکا و کل بلوک غرب بعد از جنگ سرد باعث و بانی آن در عراق و منطقه بوده است، بسط بدهند. نیروهایی که بتوانند به نمایندگی نه و اعتراض مردم به کل وضعیت سناریوی سیاهی حاکم در عراق و فقر و بیحقوقی و تبعیضات مذهبی و قومی و جنسیتی ناشی از آن تبدیل بشوند. اگر در عراق امروز از تمدن و مدنیت و سکولاریسم و پایه ای ترین مبانی جامعه

مدنی اثری نیست این نتیجه مستقیم رویگردانی "نظم نوین" بورژوازی جهانی از مدنیت و تمدن است. جلوی صحنه رانده شدن و افسارگسیختگی نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی بر متن این عقبگرد بورژوازی جهانی به دوران قرون وسطی امکان پذیر شده است. و این واقعیتی است که نه تنها در مورد عراق بلکه در مورد سوریه و لبنان و ایران و کل خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا نیز صدق میکند. در همه این کشورها باید این حقیقت را در برابر چشم همگان قرار داد که در عصر ما و بویژه در کشورهای اسلامزده در خاورمیانه تنها سوسیالیستها میتوانند پرچمدار مدنیت و سکولاریسم باشند. در این کشورها نه تنها آزادی و برابری و رفاه بلکه حتی برقراری یک جامعه مدنی و سکولار عملا در گرو در هم کوبیدن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. این افق و این خط و جهت را

باید بر متن انقلاب جاری در عراق و با اتکا به خواستها و شعارها و داده ها و دستاوردهای توده مردم بپا خاسته در چشم انداز جامعه قرار داد. و این تنها از عهده چپ نوع کمونیسم کارگری بر می آید. نیروی چپی که بتواند نماینده "نه" و نقد مردم به وضع موجود، یعنی به سلطه اسلام شیعه و سنی و همه احزاب و نیروهای قومی مذهبی و بلوکهای جهانی و منطقه ای حامی آنها و قادر به تعمیق این نقد به ریشه های طبقاتی این وضعیت باشد. جبهه اصلی نبرد طبقاتی در عراق مقابله با نظام و سیستم اسلامی- قومی عشیرتی است که بورژوازی جهانی و بومی نزدیک دو دهه است در عراق حاکم کرده است. کمونیستها تنها با رهبری این نبرد مشخص میتوانند جنگ طبقاتی علیه کل نظم سرمایه داری را به پیروزی برسانند. هم اکنون انقلاب عراق با حمله به مراکز و نیروهای اسلامی، با شعار نه شیعه نه

سنی سکولاریسم و با اعمال اراده التحریر تا سطح به استعفا کشاندن دولتها یکی پس از دیگری، شرایط مساعدی برای بجلو صف رانده شدن کمونیستها فراهم کرده است. کونیستهایی که مانند بلشویکیها در انقلاب اکتبر جبهه های اصلی نبرد را تشخیص بدهند و به نماینده جامعه علیه کل نظم موجود تبدیل بشوند. اگر مردم شعار میدهند "ما میدان تحریر را به کسی که معنی آزادی را درک نمی‌کند واگذار نمی‌کنیم" ما کمونیستها باید درک مردم از آزادی را چنان تعمیق کنیم و ارتقا بدهیم که خود مردم خواهان برچیده شدن هر نوع دولت مافوق و بالای سر مردم و بدست گرفتن اداره امور بدست خود باشند. کسی معنی آزادی را درک میکند که اعلام کند تمام قدرت به التحریر! این شعار کلیدی ای است که میتواند کمونیستها را به رهبر انقلاب تبدیل کند.*

اعتصابات : شماره ۲۸

اعتصاب کارگران نفت وارد بیست و هشتمین روز شد

اعتصاب کارگران نفت، پتروشیمی ها و نیروگاههای برق ادامه دارد و امروز هفتم شهریور وارد بیست و هشتمین روز خود شد. این اعتصابات بیش از ۵۵ مرکز نفتی را در برگرفته و تا هم اکنون پالایشگاههای بزرگی چون آبادان، قشم و اصفهان و پارسین سپهر در عسلویه در اعتصاب بسر میبرند. دامنه این اعتصابات از جمله به شهرهای اصفهان، اردبیل، تبریز، مشهد، ماهشهر، آبادان، اهواز، خرمشهر، لامرد، ارومیه، عسلویه، هریس، ایلام، بندرکنگان، مهران، شیروان،

هویزه، دشت آزادگان، روستای تنبک، مهر، ایرانشهر و زرننده و نیروگاه ها کشیده شده است. قبلا گزارش کردیم که در پارس جنوبی بیش از ۱۵ هزار کارگر از ۳۶ شرکت که در پالایشگاهها و مراکز نفتی کار میکنند هم اکنون در اعتصاب بسر میبرند. از سوی دیگر فشار بر روی کارگرانی که هنوز وارد اعتصاب نشده اند بسیار بالاست و با کوچکترین اعتراضی تهدید به اخراج میشوند. از جمله بنا به آخرین خبرهای دریافتی در

فازهای ۱۳ و ۲۲ و ۲۴ در بندر سیراف ۴ ماه مزد کارگران پرداخت نشده است و فضا بشدت امنیتی شده است. این فشارها و در کنار آن گستردگی اعتصاب کارگران پیمانی، بستر کشیده شدن بخش های بیشتری از کارگران به اعتصاب است. یک قدم مهم در گسترش این اعتصابات رسانه ای کردن اخبار آن و جلب وسیعترین حمایت ها در سطح جامعه و در ابعاد جهانی برای کارگران است. مدیای اجتماعی ابزار مهمی در خدمت این کار است. این گروهها را میشود در مناطقی چون پارس جنوبی و عسلویه و تمامی

پالایشگاه و پتروشیمی ها ایجاد کرد. در عین حال امروز در سطح جامعه باید اخبار این اعتصابات در سطح گسترده و صدای اعتراض این کارگران را بازتاب داد. بر بستر این گروهها میتوان شورای هماهنگی اعتصابات کارگری را تشکیل داد. اعتصاب کارگران نفت با هشتگ دفاع از حقوق به جلو آمده و با کارزار نه به قراردادهای موقت دامنه اش گسترش بیشتری می یابد. افزایش حقوق به بالای ۱۲ میلیون تومان، ایمنی محیط کار، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و تهدیدات پلیس سایبری علیه این

کارگران، بالا بردن استانداردها در خوابگاهها در حد قابل قبول و برخورداری این کارگران از درمانگاهها بصورت رایگان خواستهای مهم و فوری آنها است. حمایت فعال از این اعتصابات پیوستن به آن و اجتماعی کردن صدای اعتراض این کارگران است.*

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۷ شهریور ۱۳۹۹
۲۸ اوت ۲۰۲۰
۲۰۲۰

هم کارگران اعتصابی و هم مردم...

و نابجا بزند و عملاً صفوف کارگران را متفرق کند. و فی الحال به اینکار مشغولند. در چنین شرایطی حضور فعال یک رهبری رادیکال و متمرکز صدارت اهمیت بیشتری پیدا میکند. رهبری اعتصاب باید این را وظیفه خود بداند چون در مقابل همه این مسائل مسئولیت دارد و میتواند با این سبک و شیوه از رهبری تاثیر بگذارد و کارگران را هدایت کند.

این اقدامات باعث میشود که اولاً در یک مقیاس عمومی، اعتصاب سخنگوی رسمی و سراسری پیدا کند و بعنوان مرجع اصلی رهبری کارگران ظاهر شود. ده بار بیشتر در جامعه و در رسانه ها مطرح شود، حتی رسانه های حکومتی مجبور میشوند با برخی کارگران اعتصابی

توقعات و مطالبات خود را بالا ببرند.

خبرهایی هست که در یکی از مراکز کارفرما بحث هشت میلیون یا نه میلیون حقوق را مطرح کرده، رهبری اعتصاب باید فوراً علنی بیانیه بدهد و نظر بدهد. خبری هست که در لامرد فارس پیمانکار رقم ۱۲ میلیون تومان دستمزد را برای کارگران متخصص مطرح کرده است یا کارگران آترا بعنوان پایه حقوق مطرح کرده اند. رهبری اعتصاب باید شفاف در مورد خواست دستمزد برای کارگران در بیانیه ها و نامه ها و غیره حرف بزند تا کف توقعات را بالا ببرد و جلو تفرقه و پراکندگی را بگیرد، جواب اظهارات مقامات و ارگانهای حکومت را بدهد و یا وادارشان کند سکوتشان را بشکنند. نفس اعلام این مساله که کارفرما در یک پلایشگاه صحبت ۸ و ۹ میلیون و در پلایشگاه دیگری ۱۲ میلیون را مطرح کرده است توقعی را در میان کارگران اعتصابی و کل جامعه مطرح میکند و کل

جنبش کارگری و قبل از هرکس خود کارگران اعتصابی نفت را جلو میبرد. فقدان چنین مکانیزمی به انواع تفرقه ها و ناهماهنگی ها میدان میدهد و جای سخنگویی رهبران را شایعات حکومتی ها و پیمانکاران میگیرد.

گذشته از اهمیت این شیوه رهبری متمرکز و شفاف و تاثیراتی که روی کل کارگران اعتصابی و آمادگی آنها ایجاد میکند، تنها از این طریق است که پوشش امنیتی بیشتری نیز برای فعالین ایجاد میشود، گام به گام کارگران را جلو میاورد، اعتماد به رهبری اعتصاب و حمایت از آنها را بیشتر میکند و در عین حال مثل هفت تپه پیشروی هایی را تثبیت میکند و به حکومت تحمیل میکند و عملاً زمینه را برای طرح تاکتیک های تعرضی تر و عرض اندام تعدادی از رهبران علنی در سطح سراسری فراهم میکند که نیاز حیاتی اعتصابات روشن است که حتی شکل

دادن به یک رهبری بدون اعلام اسامی مشخص هم ممکن است بدون دردسر و بدون هزینه نباشد اما جامعه وارد دوره ای شده است که میتوان قدم های مهمی در این جهت برداشت و اتفاقاً با همین روش هزینه ها را هم کاهش داد. شخصاً امیدوارم که با ادامه اعتصاب و با توجه به وجود تعداد زیادی رهبر رادیکال در مراکز نفتی و فضای اعتراضی حاکم بر اعمه این نهاد ایجاد شود و بتدریج به ارگان رهبری کارگران تبدیل شود.

این اعتصاب باید موفق شود، کارگران اعتصابی احساس پیروزی کنند و طبقه کارگر و کل جامعه پیروزی آنها را ببیند. با این موفقیت کل جامعه اعتماد بنفس بالاتری پیدا میکند، گوشه ای از قدرت خود را آشکارتر میبیند و برای مصاف های بعدی آماده تر میشود. یک شرط مهم این موفقیت شکل دادن به چنین رهبری ای است.*

مصاف دو نیروی

ضد مردمی در مالمو!

درباره فراخوان نازیست ها در مالمو

و عکس العمل اسلامی ها

روز جمعه ۲۸ اوت "راسموس پالودان" رهبر حزب دست راستی "استرام کورس دانمارک" و "دان پارک" هنرمند دست راستی سوئدی، تظاهراتی علیه اسلام در شهر مالمو واقع در جنوب سوئد فراخوان داده اند. این دو نفر که بخاطر فعالیت های نژادپرستانه و نازیستی، بارها در دو کشور سوئد و دانمارک به زندان محکوم شده اند، اعلام کرده اند که در تظاهرات روز جمعه، یک جلد قرآن را به خون وادارار خوک آغشته نموده و آترا آتش خواهند زد. همزمان یک مرد ۳۴ ساله عرب

نفس فراخوان و دعوت راست های افراطی و نازیست های اسکاندیناوی به چنین تظاهراتی قطعاً در راستای دامن زدن به نفرت قومی و نژادی و مذهبی و خارجی ستیزی و خشونت علیه مردم منتسب به اسلام و دیگر

کشورهای اسلامزده را به دریا بریزند، تاریخ گذشته و حال جنبش اسلامی نیز سرشار از کتاب سوزان و آدمکشی و گردن زنی و تجاوز به زنان و انواع و اقسام جنایت و سبیت علیه مردم است. شاخ و شانه کشیدن های این دونبری مرتجع و عروج گاه به گاه آنها در کشورهای اروپایی، امروز اساساً به مدد سیاست های ضد پناهندگی و اروپا محورانه دول اروپایی و جریانات مدافع نسبتب فرهنگی ممکن شده است.

اعمال نژاد پرستانه و خارجی ستیزی نازیست ها به همان اندازه محکوم است که تهدیدات جنسیتی و تهدید زندگی شهروندان سوئد از طرف گروه های اسلامی. کشاکش این دو نیرو جایی در میان مردم سوئد و پناهندگان

گریخته از کشورهای اسلامی ندارد. ما تحریکات نژاد پرستانه و تهدیدات ضد انسانی این دو نیروی ارتجاعی و ضد مردمی را شدیداً محکوم می کنیم و از همه شهروندان مقیم سوئد می خواهیم تا با بایکوت مراسم و تظاهرات روز جمعه، این جریانات حاشیه ای و خطرناک را بیش از پیش به حاشیه رانده و در کنار هم با بلند کردن پرچم آزیخواهی و دفاع از ارزش های جهانشمول انسانی فعالانه علیه هر دو جریان خطرناک و ضد جامعه به میدان بیاییم و پاسخ شایسته ای به آنها بدهیم.*

تشکیلات سوئد حزب

کمونیسست کارگری ایران

۲۵ اوت ۲۰۲۰

اعتصابات کارگری و چشم انداز..

شما می‌خواهید میلیون میلیون بدزدید و هفت تپه را به ورشکستگی بکشانید. کارگران در نامه سرگشاده ای به مردم کانادا افشا کرده اند که اسدیگی کارفرمای خصوصی نیشکر هفت تپه با کمک مقامات همدستی در حکومت مبلغ کلانی بالغ بر یک و نیم میلیارد دلار ارز اختلاس کرده و حدود ۷۰۰ میلیون دلار آنرا به حساب شخصی خود در بانکهای کانادائی منتقل کرده است. کارگران میگویند دیگر اجازه نمیدهیم این دزدیها و چپاولگریها صورت بگیرد. الان صحبت اینست که بجای اسدیگی یک سپاهی را بفرستند و کارگران با این هم مخالفت کرده اند. کارگران میگویند اسدیگی را بیرون نکرديم که یکی بدتر از او بیاید.

کارگران در واقع در مقابل فساد ب میدان آمده اند. در برابر غارت و چپاول کارخانه ها، همان اقتصاد خصولتی باندهای مافیائی و علیه دزدسالاری حاکم بر کل جامعه. به همین دلیل موضوع مبارزه آنها از هفت تپه و از مبارزه متعارف صنفی برای دستمزدها یا بیمه بیکاری یا دیگر خواستههای صنفی مربوط به شرایط کار فراتر میرود. این مطالبات البته عاجل و حیاتی است ولی کارگران میخواهند مساله را ریشه ای تر حل کنند. آنها کل سیستم اداره کارخانه بوسیله وابستگان و رانتخواران و مافیای حکومتی را بجالش میکشند و علیه خصوصی سازی هستند چون تحت لوای خصوصی سازی این سیستم غارت و چپاول کار میکند. به این دلیل است

در هفت تپه اسد بیگی این نقش را دارد در صنعت نفت شرکت های متعددی بعنوان پیمانکار و بعنوان دلال خون کارگران را در شیشه کرده اند. بخشی از سود و درآمد واحدهای تولیدی در صنعت نفت به جیب های گشاد این پیمانکاران و دلالان سرازیر میشود. و در مواردی زنجیره ای از این پیمانکاران مشغول چپاول هستند. کارگران صنعت نفت در برابر این وضعیت ایستاده اند.

یک خواست دیگر کارگران نفت لغو قراردادهای موقت است. قراردادهای موقت و سفید امضا که به بخش وسیعی از کارگران پیمانی تحمیل شده است. کارگران تامین شغلی میخواهند و خواستار قرار دادهائی هستند که کارفرما نتواند هر موقع خواست آنها را اخراج کند.

اینجا هم می بینید مضمون و خواست اعتصاب از مساله دستمزدها فراتر میرود. اینجا هم در واقع بحث بر سر اینست که چطور صنعت نفت را اداره کنیم. الان جمهوری اسلامی کل صنعت نفت یعنی پالایشگاهها و پتروشیمی ها و گاز و نیروگاهها و صنایع وابسته به آنها که بخش وسیعی از تولید و کل اقتصاد در ایران را تشکیل میدهد را به بخشها و شاخه های مختلفی تقسیم کرده و به مقاطعه کارها و پیمانکارها و دلالان متعددی سپرده است. که البته سهامداران اصلی این شرکتها هم رانتخوارها حکومتی و دار و دسته های مافیائی حکومت، بسیج و سپاه و بیت رهبری و اعوان و انصار آیت الله های میلیاردی هستند. کارگران صنعت نفت میگویند این بساط را جمع کنید. و به همین دلیل این به یک خواست عمومی و سراسری در صنعت نفت

تبدیل میشود و بیش از چهل مرکز در صنایع نفتی و رشته های وابسته به آن به اعتصاب می پیوندند.

کارگران اعتصابی چه در هفت تپه و چه در صنعت نفت دارند میگویند چطور باید اقتصاد را اداره کرد. هنوز نمیگویند مخالف مالکیت خصوصی برکارخانجات و مراکز تولیدی هستیم. این دیگر مطالبه نیست بلکه انقلابی که در ایران شکل میگیرد باید این را متحقق کند ولی امروز کارگر اعتصابی در واقع همین حرف را میزند منتهی در شکل و قالبی که در چارچوب نظام سرمایه داری میتواند مطرح کند. یعنی اعتراض و مخالفت با بخش خصوصی، پیمانکاران و دلالان و مافیای اقتصادی حکومتی، و جارو کردن اینها از اقتصاد ایران. کارگران هفت تپه تا همین جا چنان اعمال فشار کرده اند که حکومت که از ابتدا در دفاع از خصوصی سازی و حتی شخص اسد بیگی محکم ایستاده بود اکنون در مذاکره ای که هفته قبل نمایندگان کارگران هفت تپه با نمایندگان مجلس داشتند اعلام کردند این مساله به سه قوه مربوط میشود و باید بین خودمان بحث کنیم و تصمیم بگیریم. (به سه قوه مربوط میشود چون دار دسته های وابسته به هر سه قوه یا همان خصولتی ها در چپاول هفت تپه و دیگر مراکز تولیدی مستقیما دست دارند). نتوانستند به کارگران بگویند ما از خصوصی سازی کوتاه نمی آئیم و اسدیگی میرود و بجایش فلان حاج اقا می آید. خیز هم برداشتند همین کار را بکنند ولی الان مجبور شده اند بگویند سه قوه باید تصمیم بگیرد. این تاثیر دو ماه اعتصاب کارگران از جمله علیه خصوصی سازی

است. در صنعت نفت هم کارگران میخواهند این بساط دزدی و چپاول را که تحت عنوان شرکتهای پیمانکار و مقاطعه کار و واسطه و غیره به راه انداخته اند از صنایع نفتی جارو بشود.

اعتصاب به نمایندگی

از ۹۹ درصدیها

ما شاهد شکل گیری و گسترش اعتصابات کارگری با خواست اداره امور و مشخصا اداره مراکز تولیدی و اداره اقتصاد هستیم. اعتصاب سراسری در یک صنعت عمده و مادر یعنی صنعت نفت و رشته های وابسته به آن و همچنین در مراکزی که بخاطر موقعیت و سابقه شان نقل مهمی در جنبش کارگری دارند نظیر هفت تپه و هیکو.

وقتی این اعتصابات را در نظر بگیرید متوجه میشوید که ما با اعتصاب در یک جامعه متعارف مواجه نیستیم. این اعتصابات به نظر من خواستههای نه فقط کل طبقه کارگر بلکه خواستههای بخش عظیمی از جامعه، خواست نود و نه درصدیها علیه یک درصد حاکم، را نمایندگی میکند.

مبارزه علیه فقر و شرایط غیر قابل معیشتی مساله اکثریت عظیم مردم است. مردمی که زیر خط فقر رانده شده اند و با تورم و گرانی چندین ده درصدی و مدام رو به افزایش دست و پنجه نرم میکنند. خواست افزایش دستمزدها، که بخشی از کارگران نفت با پرچم ۱۲ میلیون حداقل دستمزد مطرح میکنند، در واقع خواستی برای ارتقای سطح زندگی و رفاه در کل جامعه است. خواستی که معلمان و بازنشستگان و مال باختگان نیز همیشه مطرح کرده اند. اعتصابات جاری کارگری در صف اول مبارزه کل جامعه

از صفحه ۱۰

اعتصابات کارگری و چشم انداز...

علیه فقر و فلاکت در برابر مفتخوران حاکم قرار گرفته است. مبارزه با فساد نیز یک جنبه مهم و عمومی این اعتصابات است. کارگران در واقع با شکل مشخص فساد در مراکز تولیدی درافتاده اند. در هفت تپه با تجسم عینی فساد یعنی اسد بیگی و دار و دسته های که تحت عنوان بخش خصوصی به این مرکز چنگ انداخته اند در افتاده اند و در صنعت نفت با پیمانکاران و مقاطعه کاران و شرکتهای دلالی که آنها هم مستقیماً سرشان به آیت الله های میلیاردی و رانتخوارها و دار و دسته های حکومتی وصل است. کارگران میگویند این بساط را باید جمع کنید و این خواست کل جامعه است. مبارزه با فساد مبارزه ای است که مردم ایران مدتهاست با شعار "فلاکت عمومی ثروتهای نجومی" و "کشور ما دزدخونه است توی جهان نمونه است" دارند به پیش میبرند. دزدی و فساد همه جا را گرفته است و نه فقط کارخانه ها و مراکز تولیدی و کارگری را. در ادارات و مدارس و دانشگاهها و قوه قضائیه و مجلس و همه جا دزدی و فساد بیداد میکند. به این ترتیب کارگر بلندگوی جامعه ای میشود که مدتهاست علیه فساد اعتراض میکند.

ویژگی های شکل و شیوه اعتصابات

تا اینجا مضمون اعتصابات را بررسی کردیم. در اینجا لازمست به شکل اعتصابات هم بپردازیم. همان نکته ای که در مورد مضمون گفتیم یعنی اینکه شرایط متعارف نیست و این یک مبارزه صنفی

همین شکل را داشت و همراه با راهپیمایی در شهر بود. تظاهرات و تجمع خیابانی کارگران هفت تپه در شهر شوش و راهپیمایی کارگران فولاد در شهر اهواز و تظاهرات کارگران اعتصابی هپکو در اراک با شعار زیر بار ستم نمیکنیم زندگی را همه بیاد داریم. همچنین نقش مجمع عمومی و شرکت خانواده ها در اعتصابات را. امروز هم همین ویژگی ها را شاهد هستیم.

یک ویژگی مهم هفت تپه تشکیل منظم مجمع عمومی است. کارگران هفت تپه بر مجمع عمومی متکی هستند و نمایندگانشان هر بحث و تصمیمی را در مجمع عمومی مطرح میکنند و اتخاذ میکنند. مثلاً هیات نمایندگیشان در مذاکره با مجلس بوسیله مجمع عمومی انتخاب شد و بعد از مذاکره هم به این مجمع گزارش دادند. به این ترتیب کل کارگران درگیر و دخیل هستند. سازماندهی و پیشبرد دو ماه اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر هفت تپه تنها با اتکا به مجمع عمومی میتوانست صورت بگیرد. میدانید هفت تپه یک مجتمع کشت و صنعت گسترده است با بخشهای متعدد کشاورزی و نی بری و بخش تولید شکر و غیره. متحد نگاهداشتن همه این بخشها و مقابله با تفرقه افکنی های دولت بین بخشهای مختلف امر ساده ای نیست. اما کارگران توانسته اند از طریق مجمع عمومی این مهم را عملی کنند، کارگران را متحد کنند و اعتصاب را سازمان بدهند و به پیش ببرند.

حزب ما همیشه بر نقش تعیین کننده مجمع عمومی و شورا در حفظ اتحاد و سازماندهی مبارزه و مشخصاً

اعتصابات تاکید کرده است. و امروز داریم در عمل کارائی مجمع عمومی را می بینیم. بدون مجمع عمومی به نظر من اعتصاب هفت تپه نه تنها دوماه بلکه دو هفته هم دوام نمی آورد. حکومت میتوانست به سرعت تفرقه بیندازد. همه تلاش خودش را هم کرد ولی کارگران با آگاهی و هشیاری و با دخیل کردن کارگران همه بخشها این تلاشها را خنثی کردند.

جنبه دیگر اینست که اعتصاب به کارخانه محدود نمی ماند بلکه کارگران با خانواده هایشان در سطح شهر و بعنوان شهروند بمیدان می آیند. و این کاملاً به خواستها و شعارهای کارگران ربط دارد. اگر توده مردم غیر کارگر در این خواستها امیال و اهداف خودشان را نمیدیدند طبعاً حمایت چندانی هم نمیکردند. مردم زیر فشار گرانی و فقر و بی تأمینگی کمربان خم شده است. فساد را مردم میدانند یعنی چه. باندهای مافیائی و خصولتی ها و دلالها و واسطه ها و پیمانکاران را مردم میشناسند. و به این دلیل است که جامعه همراه میشود و اعتصاب به یک نوع اعتراض و تجمع در سطح شهر تبدیل میشود.

در صنعت نفت ویژگی اعتصاب در سراسری بودن آنست، در اینکه در مراکز و شهرهای زیادی، از اصفهان و ماهشهر گرفته تا اهواز و آبادان و ایذه و قشم و غیره و

غیره اعتصابات همزمان و همبسته با هم آغاز میشود. ما شاهد اعتصابات در یک سطح گسترده هستیم؛ گسترده هم از نظر جغرافیائی و هم از نظر تنوع نوع تولید و رشته های مختلف. فقط پالایشگاهها و پترو شیمی ها نیستند. گاز و نیروگاهها و بسیاری از رشته های وابسته به صنعت نفت هم دست به اعتصاب زده اند. و این یعنی تنوع زیاد در شرایط مشخص اقتصادی اجتماعی کارگران با تخصص ها و سطح دستمزدها و مشخصات شغلی متفاوت. با اینهمه الان نزدیک به دو هفته است نزدیک ۵۰ مرکز متحدانه در اعتصابند. این سراسری بودن هم مشخصه ای است که از خواستهای عمومی و سراسری ناشی میشود. مخالفت با واسطه ها و پیمانکاران و موقتی بودن قراردادهای خواست همه کارگران در همه این بخشهای صنعت نفت و فراتر از آن در همه صنایع و مراکز تولیدی در جامعه است. هفتاد درصد کارگران صنعت نفت و نود در صد کارگران در ایران با قراردادهای موقت استخدام شده اند. به همین خاطر در صنعت نفت کارگران توانسته اند در این شکل سراسری و متحد بمیدان بیایند.

حکومت تلاش میکند وعده ها و امتیازاتی به بعضی بخشها بدهد و اعتصاب را بشکند. کارگران در مقابل میگویند خواستهای ما ادامه در صفحه ۱۲

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش، همکاری و عضویت در حزب کمونیست کارگری میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org
 واتس اپ: +۴۴ ۷۴۳۵۶۲۴۶۲
 تلگرام: @wpi_hkki
 پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas
 اینستاگرام: wpi91
 فیسبوک: www.facebook.com/wpiran



اعتصابات کارگری و چشم انداز...

سراسری است و با هشتگ دفاع از حقوق این را بیان میکنند. منظورشان هم از دفاع از حقوق صرفا دستمزدها نیست بلکه کل حقوق صنفی و سیاسی و اجتماعی کارگران است. مثل حق تشکل، حق اعتراض، حق برخورداری از بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی و کلا حق برخورداری از یک زندگی درخور شان انسان. در مرکز این دفاع از حقوق لغو قراردادهای موقت و قطع دست پیمانکاران و دلایلا قرار دارد. این یک خواست اساسی و پایه ای است که میتواند این شکل متنوع از نظر جغرافیایی و نوع کار در بخش کلیدی اقتصاد ایران را متحد کند و بمیدان بیاورد.

چشم انداز خیزش توده ای

این اشکال مبارزه ای که توضیح دادم نیز خودش نشانه شرایط ویژه و فضای عمومی سیاسی ای است که اعتصابات کارگری در آن شکل میگیرد. اینجا میرسیم به قسمت دوم بحث یعنی چشم انداز خیزش توده ای.

نکته اول اینست که در دوسه سال اخیر ما شاهد خیزشهای توده ای وسیعی بوده ایم. مشخصا اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، دو نمونه برجسته خیزشهای توده ای بود. در ۹۸ جنبش سرنگونی بسیاری از ترفندهای حکومت را حثی کرد. مثل شلیک به هواپیما، مثل تعزیه گردانی حکومت بعد از قتل قاسم سلیمانی، مثل مضحکه انتخابات، یا دهه فجر و غیره. جنبش در همه این موارد حکومت را رسوا و سکه یک پول کرد و بالاخره

توده ای در این جو و شرایط شکل میگرفتند ولی علیرغم این رابطه مستقیمی بین خیزشهای توده ای و اعتصابات وجود نداشت. وقتی خیزشی رخ میداد همزمان و همبسته و همگام با اعتصابات کارگری نبود. جامعه وارد فاز طغیان و خیزش توده ای میشد بدون اینکه اعتصابات کارگری بخشی از این خیزش باشد.

به نظر من این بار اینطور نیست. این بار اعتصابات کارگری نه تنها زمینه ساز بلکه میتوانند مستقیما آغازگر خیزش توده ای باشند. به این معنی که جامعه حول جنبش کارگری و در حمایت از جنبش کارگری که دارد خواستههای او را اعلام میکند بپا می خیزد و میتواند قد علم میکند. این بار چشم انداز خیزش توده ای فقط تظاهرات و تجمعات خیابانی و حتی درگیری های محلی نیست، بلکه گسترش اعتصابات تا سطح یک اعتصاب عمومی هم هست. چشم انداز خیزش توده ای در جامعه ای که روی دوش اعتصابات کارگری و با الهام از این اعتصابات و متکی به این جنبش بلند شده است. ممکن است بخشهای مردم معترض خواستههای مختلفی داشته باشند ولی این بار همبسته و همراه و همگام با جنبش کارگری وارد میدان میشوند چون عامل موثر و قوی و نوید دهنده ای را که در خیزشهای گذشته موقعیت برجسته ای نداشت و مانند امروز مورد توجه عمومی قرارنگرفته بود را مشاهده میکنند. این به توده معترض مردم امید و اتکا به نفس و قدرت تعرضی ای میدهد که صرفا با تظاهرات خیابانی قابل تامین نبود. این بار تظاهراتهای خیابانی همزمان با اعتصابات سراسری کارگری

میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده و پیروزمند منجر بشود.

در همین شرایط ما شاهد اوجگیری مبارزه علیه اعدام هم هستیم. میتوان گفت جنبش سرنگونی در شرایط حاضر حول دو شاخه دفاع از حقوق و معیشت که جنبش کارگری پرچمدار آنست و اعتراض علیه اعدامها بروز پیدا کرده است. اینها به هم وابسته اند چون اعدام در ایران فقط یک مساله حقوقی و انسانی نیست بلکه قبل از هر چیز یک مساله سیاسی است. اعدامها ابزار حکومت است برای مرعوب کردن و برای سرکوب کردن کارگران و مردم معترض. و حتی اگر زندانیان غیر سیاسی را اعدام می کنند این برای زهر چشم گرفتن از کل جامعه است. کما اینکه هشت جوانی که اخیرا به اعدام محکوم کردند همه از معترضین ۹۶ و ۹۸ بودند. اما هم اعتراض گسترده و درواقع رفراندوم عملی که در آن بیش از ۱۱ میلیون نفر به لغو حکم اعدام این جوانان و کلا لغو اعدام رای دادند، و هم مهمتر از آن گسترش اعتصابات کارگری در این شرایط نشانه اینست که جامعه از مرز ارباب گذشته است. هشتگ اعدامشان نکنید و علیه حکم اعدام گسترده و تبدیل به یک ترند جهانی شد بخاطر اینکه رژیم میخواست با صدور حکم اعدام جوانان شرکت کننده در خیزشهای ۹۶ و ۹۸ از خیزش آتی، بقول خود مقامات از شورش گرسنگان، جلوگیری کند اما قضیه به عکس خود تبدیل شد.

برآمد و پیشروی بیسابقه جنبش علیه اعدام نیز نشان میدهد جو جامعه فضای عادی اعتراضات روزمره نیست. مبارزه علیه اعدام و

مبارزه علیه فقر و فلاکت بخشی از جنبش سرنگونی است که با این پرچمها بجلو آمده است. این حرکت علیه اعدامها هم میتواند با اعتصابات کارگری بمراتب تقویت شود و میتوان انتظار داشت و باید تلاش کرد که از یک طرف خواست لغو اعدام در جنبش کارگری جا باز کند و از جانب کارگران اعتصابی مطرح بشود و از سوی دیگر جنبش علیه اعدام به حمایت از اعتصابات کارگری برخیزد. این رابطه متقابل بین جنبشهای اعتراضی جامعه میتواند بوجود بیاید. فی الحال خیلی از نهادها و چهره هایی که از اعتصابات کارگری دفاع کرده اند به جنبشهای اعتراضی مختلفی تعلق دارند. نویسندگان هستند، فعالین سازمانهای مردم نهاد هستند، دانشجویان هستند، و بخشهای دیگر جامعه. این حمایتها هنوز گسترده نیست ولی رو به افزایش است. باید به این موج دامن زد و گسترده ترش کرد. این شکل حمایت متقابل و این همراه شدن فرض کنید جنبش زنان و جنبش علیه اعدام و جنبش دادخواهی با جنبش کارگری و همبسته با اعتصابات کارگری میتواند ابعاد گسترده ای بخود بگیرد. جنبش سرنگونی میتواند حول اعتصابات کارگری بار دیگر قد علم کند و قدرتمند تر از همیشه بمیدان بیاید. شرایط و زمینه این امر کاملا فراهم است. خیزش توده ای میتواند شکل بگیرد که ستون فقراتش اعتصابات کارگری است و ازینرو براحتی قابل عقب راندن و فروخواندن نخواهد بود. خیزشی که پیش کسوتش جنبش کارگری است، ستون فقراتش جنبش کارگری است و به یک معنا رهبرش جنبش

اعتصابات کارگری و چشم انداز...

کارگری است. در انقلاب ۵۷ جامعه شعار داد کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما و امروز داریم به همان سو میرویم.

نقش و جایگاه حزب

نکته آخری که لازمست به آن اشاره کنم نقش سازمانهای سیاسی و مشخصا حزب ما است. هیچیک از این تحولات بدون آن فعالیتها، بدون آن تلاشها و بدون آن رهنمودها و راه نشان دادن آنها و بدون آن فراخوانها، بدون آن تبلیغات و گفتمان سازی ها و بدون آن فعالیت عملی میدانی که حزب ما چند دهه است به پیش میبرد اتفاق نمی افتاد. چشم اندازی که من تصویر کردم هم بدون چنین نیروئی ممکن نیست. تمام این پتانسیل ها و توانستن هائی که مطرح شد؛ اینکه جنبش توده ای میتواند همبسته با اعتصابات بمیدان بیاید و اعتصاب عمومی همپای تظاهرات توده ای شکل بگیرد و غیره یک شرط دارد؛ وجود و حضور فعال نیروی آگاهی که این بالقوه ها را به یک امر بالفعل تبدیل کند. بسیاری از اعتصابات سراسری کارگری را دیده ایم که حتی دولتهائی را هم

جابجا کردند ولی بالاخره حاصلش به جیب بخش دیگری از همان طبقه حاکمه رفته است. در ایران این اتفاق نمی افتد چون نمیگذاریم بیفتند. چون حزبی در میدان هست که میخواهد چشم اندازی که اینجا ترسیم کردم را متحقق کند. چون حزبی در میدان هست که در شکل دهی به جنبش علیه اعدام که امروز در ابعاد چندین میلیونی سر بلند کرده است و در شکل دهی به ویژگی هائی که امروز در جنبش کارگری می بینیم، از بمیدان آمدن چهره های علنی این جنبش تا دخیل شدن خانواده ها و کشیدن دامنه اعتصاب به سطح شهر و تا تشکل مجمع عمومی و گفتمان ادره شورائی و غیره نقش فعالی داشته است.

ما از ۹۶ داریم مدام بر اهمیت و ضرورت اعتصاب عمومی و اعتصابات سراسری تاکید میکنیم، بحث میکنیم، سمینار و میزگرد میگذاریم، مقاله مینویسیم، پلمیک می کنیم، از کانل جدید و از مدیای اجتماعی تبلیغ می کنیم، به گفتمان اعتصاب دامن میزنیم، فعالیت عملی و

حضور و دخالت اعضا و کارهای حزب، از کمیته سازمانده تا سازمان جوانان و کمیته کردستان و غیره و از طریق ارتباطات و حضور میدانی که فعالین حزبی دارند چشم انداز یک انقلاب زیر رو کننده را متحقق کند. چشم انداز یک خیزش عمومی با اتکا به اعتصابات سراسری کارگری و همبسته و همراه با جنبش کارگری.

این چشم انداز خیلی شورانگیزی است. ما در شکل گیری این شرایط نقش و سهم داشته ایم و باید تلاش کنیم که این شرایط را تا یک انقلاب زیر رو کننده علیه نه فقط جمهوری اسلامی بلکه علیه کل نظم سرمایه و علیه یک درصدهای مفتخور سرمایه دار به پیش ببریم. کارگران دارند نشانه های انقلابی با مضمون سوسیالیستی را بدست میدهند. شما اگر از این خواست هفت تپه که "مدیر را بفرستید ما نظارت و اداره میکنیم" مدیر را کنار بگذارید به حکومت شوراها میرسید. اداره شورائی یعنی حکومت شورائی. و نه فقط در اقتصاد بلکه در همه جامعه. خواست اداره شورائی میتواند فراگیر بشود. میتواند جنبش علیه اعدام هم این پرچم را بلند

میدانی می کنیم، و امروز شاهدیم که اعتصابات سراسری به شکل شورانگیزی دارد شکل میگیرد و گسترش پیدا میکند. این خط و جهت را باید ادامه داد و حزب باید با نیروئی چدین برابر بمیدان بیاید و حضور بهم برساند. هم در سطح میدانی - عملی و هم در سطح ماکرو و کلان اجتماعی و بخصوص در مدیای اجتماعی نقش

فعالتری از همیشه ایفا کند. بخصوص باید فعالانه مدیای اجتماعی را به کار گرفت. تا همین جا در مبارزه علیه اعدام مدیای اجتماعی ابزار کارسازی بوده است. هشتگ اعتصابات سراسری امروز جزو ده ترند اول تویتر است. و کارگران نفت هم اعتصابات خود را با هشتگ دفاع از حقوق شروع کردند. سازماندهی کارگران در هفت تپه و نفت و همچنین مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان عمدتا از طریق مدیای اجتماعی صورت میگیرد. جلب حمایت از جامعه هم اساسا به همین طریق ممکن میشود.

حزب باید با اتکا به مدیای اجتماعی، با اتکا به تبلیغات رسانه ای خود حزب از طریق کانال جدید و سایتهای حزبی و با اتکا به فعالیت میدانی و

کند. میتواند جنبش دانشجویی هم این را بخواهد. میتواند جنبش رهائی زن هم خواستار اداره شورائی بشود. نشانه های این تحول را در دور اول اعتصاب هفت تپه در دوسال قبل دیدیم. این بار باید روی آوری به شوراها را عمومی تر کنیم. در انقلاب ۵۷ بعد از سرنگونی شاه شوراها همه جا شکل گرفت و این بار از همین ابتدا میتوان و باید به این سمت حرکت کرد. جنبش کارگری دارد بطرف اداره شورائی خیز برمیدارد. حتی آنجائی که این کلمه را بکار نمیبرد مضمون خواستههایش همین است. و این منطبق است با برنامه یک دنیای بهتر برای برپائی حکومت شورائی به این معنا که کارگران و توده مردم خودشان امور را در دست بگیرند و مشخصا کارخانه ها و مراکز تولیدی در کنترل شوراها باشند. شعارها و نشانه های این جهت گیری را داریم می بینیم. حزب باید بر این مبنا تمام نیرو و امکانات خودش را بکار بگیرد تا واقعا آن انقلابی که میتواند ضامن رهائی و آزادی و برابری و رفاه همه مردم در ایران هست شکل بگیرد و به پیروزی برسد.*

جریان است. کارگران نیشکر هفت تپه برای فردا نیز به تجمع مقابل فرمانداری فراخوان داده اند. اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد.

اعتصاب نفت:

روز ۴ شهریور اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و نیروگاه های برق وارد بیست و پنجمین روز خود شد. این اعتصابات ۵۵ مرکز تولید نفت و گاز و پتروشیمی در ۱۲ استان را

ادامه در صفحه ۱۴

علیه اعتصابیون به کار گرفته اند. عده ای تحت عنوان نمایندگان "دیوان محاسبات مجلس" به شوش رفته اند و همچنان در آنجا مستقر هستند و کارشان ربطی به محاسبات ندارد بلکه دارند از پایین توطئه میکنند و نیروهای خود را برای شکستن اعتصاب کارگران به خط میکنند. در مقابل کارگران نیز میکوشند با تاکید بر خواست های فوری خود صف اعتراضشان را متحد نگاه دارند و جدالی سخت در

برگزاری تجمع شدند. در این روز یکی از کارگران بازداشت شد. اما جرات نکردند نگاهی دارند و از همان محل درب کلانتری آزادش کردند.

طی دو روز اخیر جنب و جوش و تولاها های زیادی برای ایجاد تردید و بهم ریختن صفوف کارگران از جانب حکومت و کارفرمایان به کار گرفته شده است. حکومت و عواملش در محل سعی میکنند کارگران را متزلزل کنند و در رسانه هایشان تبلیغات و فضا سازی زیادی

اعتصابات : شماره ۲۵

بیست و پنجمین روز اعتصاب نفت و

هفتاد و دومین روز

اعتصاب نیشکر هفت تپه

و اعتصاب کارگران ذوب آهن اردبیل

توطئه گریها علیه اعتصاب کارگران هفت تپه:

روز سهشنبه ۴ شهریور شماری از کارگران نیشکر هفت تپه در هفتاد و دومین روز اعتصاب خود برای

پیگیری خواستههایشان مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کردند. در جریان این تجمع نیروهای امنیتی و انتظامی با حضور در محل سعی در متفرق کردن کارگران اعتصابی کرده و مانع از

هفت تپه: شماره ۷۲

تجمع بزرگ کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۷۰

کارگران میگویند: هر گونه
قول و قرار پشت پرده بی اعتبار است

امروز دوم شهریور اعتصاب و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۷۰ با قدرت ادامه یافت و یک روز تاریخی را در تاریخ مبارزات کارگران ثبت کرد. در این روز جمعیت بزرگی از بخش های مختلف هفت تپه در مقابل فرمانداری جمع شدند و خواسته های خود را طنین انداز کردند. کارگران با در دست داشتن بنرهایی که بر روی آنها موضوع اعتراض خود را نوشته بودند، جلوه زیبایی از اتحاد و همبستگی را به نمایش گذاشتند. در این روز شعارهای اعتراضی کارگران وسیعاً در منطقه اطراف فرمانداری و مناطق دورتر طنین انداخته بود و توجه همه را بخود جلب میکرد. در چنین فضایی از خشم و اعتراض است که هیات بازدید کننده مجلس اسلامی و

کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و دیوان محاسبات بیابند اینجا و مجدداً خواسته های شما را بشنوند و اولویت بندی کنند. و یک بازدیدی بصورت میدانی از شرکت داشته باشند تا دروغ هایی که گفته اند و کارخانه هایی که به دروغ آنجا گفتند تاسیس شده و چندین بار افتتاح کردند و هنوز موجود نیستند را ببینند و یک نتیجه مهمی بگیرند. که آنهم خلغ ید خصوصی سازی از هفت تپه است". او سپس بر اتحاد کارگران به عنوان اولین شرط برای خلغ ید از بخش خصوصی و کارفرمایان فاسد که سایه شان بر هفت تپه و هفت تپه ای ها سنگینی میکند و اینکه همه هفت تپه ای ها کشت و صنعت هفته را حفاظت میکنند، تاکید کرد. جالب اینجاست که همزمان رسانه هایی چون ایلنا و ایسنا موبدانه تلاش کردند که تصویری بدهند که اعتصاب پایان یافته است. امروز کارگران نیشکر هفت تپه با حضور گسترده و چند هزار نفری خود از بخش های مختلف شرکت جواب دندان

شکنی به همه این تشبثات و دروغها دادند. در همین حال گزارشهایی در مورد بازگشت به کار برخی از کارگران اخراجی به گوش میرسد. گفته میشود که در حال حاضر فقط ایمان اختری و محمد خنیفر و سرخه برای دادن تعهد و بازگشت به کار خبر شده اند. کارگران میگویند همه همکاران اخراجی آنها باید به کار بازگردند و بویژه خواستار بازگشت به کار اسماعیل بخشی رهبر محبوب خود هستند. حرف کارگران اینست که کارگران اخراج شده همان خواستهایی را بیان کرده و همان اعتراضی را داشته اند که هفتاد روز است ۵ هزار کارگر هفت تپه برای آن مبارزه میکنند. نباید هزینه اش را اسماعیل بخشی و دیگر کارگران اخراجی بپردازند. بدین ترتیب امروز اعتصاب کارگران هفت تپه به نقطه حساسی رسیده است و بطور برنامه ریزی شده ای از سوی حکومتیان زمزمه های پایان اعتصاب به راه افتاده است. به گفته کارگران چند نماینده

مجلس و چند دانشجوی به گفته خود "عدالت خواه" و چند بسیجی و خبرگزاری هایی که همیشه آماده برای خفه کردن صدای کارگران هستند، با خوشحالی تمام و پس از حضور اعضای کمیسیون اصل نود مجلس در میان تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه در هفتادمین روز اعتصاب آنان، سراسیمه اعلام کردند اعتصاب بعد از وعده های نمایندگان مجلس شکسته شد. در پاسخ به این تشبثات کارگران اعلام کرده اند که هر گونه توافق پشت پرده ای برای شکستن اعتصاب از نظر آنها بی اعتبار است. ضمن اینکه خواسته های آنها پاسخ نگرفته است و هیچ وقفه ای نمیتواند مانع ادامه اعتراضات این کارگران باشد.*

پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها
حزب کمونیست
کارگری ایران
۲ شهریور ۱۳۹۹
۲۳ اوت ۲۰۲۰

از صفحه ۱۳

بیست و پنجمین روز اعتصاب نفت و هفتاد و دومین روز اعتصاب ...

در بر میگیرد. در مقابل این اعتصاب قدرتمند سراسری پیمانکاران همچنان در تقلا برای تفرقه افکنی در میان کارگران هستند. در برخی جاها پیمانکاران در یک منطقه با هم هماهنگی به عمل می آورند که با استفاده از نیروی کارگر ساده به جای متخصص و غیره اعتصاب را تضعیف کنند، در مناطقی با وعده و وعید توخالی تلاش میکنند کارگران را به سر کار بازگردانند. برخی هم تهدید میکنند. اما با وجود همه

کرده اند که این اندک افزایش نمیتواند جواب هزینه های سنگین زندگی آنها را بدهد و بر روی خواسته های اعلام شده خود و در راس آنها لغو قراردادهای موقت کاری تاکید میکنند. کارگران نفت خواهان افزایش حقوقها به رقم ۱۲ میلیون شده اند.

اعتصاب کارگران ذوب آهن اردبیل

صبح امروز سه شنبه ۴ شهریور کارگران ذوب آهن اردبیل در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، سطح نازل حقوقها، مشکلات بیمه و در خواست بازنشستگی در موعد مقرر دست به اعتصاب زده و مقابل استانداری

حزب کمونیست
کارگری ایران
۴ شهریور
۲۵ اوت ۲۰۲۰

اردبیل تجمع کردند.*
پیش بسوی
اعتصابات سراسری
پیش بسوی
ایجاد شوراها

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه منتشر میشود

www.anternasional.com